

همگرایی فراآتلانتیک در دوره بایدن، روندها و چالش‌ها، با تأکید بر رویکرد رسانه‌ای*

مجید روحی‌دهبینه^۱

چکیده

در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا، روابط فراآتلانتیک پر تنش و با چالش‌های زیادی همراه بود. زمانی که جو بایدن در ۲۰۲۱ به‌عنوان رئیس‌جمهوری، قدرت را در آمریکا به‌دست گرفت، با ابتکارات خود و تدوین سیاست جدید، گام‌های مؤثری برای احیای روابط فراآتلانتیک برداشت. بخش زیادی از ادبیات پیرامون روابط دو سوی آتلانتیک در این دوره نیز حکایت از اهتمام دولت بایدن و استقبال دول اروپایی از آن داشت. هدف اساسی این مقاله بررسی فرآیند همگرایی فراآتلانتیکی در دوره بایدن، تبیین چالش‌ها و چشم‌انداز آن است. چارچوب نظری که این مقاله از آن بهره گرفته است، رئالیسم نئوکلاسیک است. روش این مقاله کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در دو سال اول دولت بایدن، در زمینه‌های آب و هوا، دفاع و امنیت، تجارت و فناوری، موضوع چین و برجام، روابط فراآتلانتیک با پیشرفت‌های خوبی همراه بوده است. به‌ویژه تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، همگرایی شدیدی را میان دو سوی آتلانتیک ایجاد کرده است اما به‌رغم این پیشرفت‌ها، چشم‌انداز روابط دو سوی آتلانتیک بنا بر یکسری از عوامل و متغیرهای سیستمی و داخلی، انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، چالش میان رهبری آمریکا و استقلال راهبردی و همچنین تفاوت در نحوه برخورد با چین، با عدم‌اطمینان و بی‌اعتمادی نگرسته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بایدن، همگرایی فراآتلانتیک، استقلال راهبردی اروپا، رئالیسم نئوکلاسیک، رسانه برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴

* این مقاله، مستخرج از یک طرح پژوهشی است که به سفارش پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما و توسط نگارنده مقاله انجام شده است.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

majidroohi@iaurasht.ac.ir

DOI: 10.22034/IMRL.2022.365524.1146

مقدمه

از ۱۹۴۵ میلادی روابطی میان آمریکا و اروپا بنیان نهاده شد که در ادبیات دیپلماتیک از آن به‌عنوان روابط فرآتلانتیک یا روابط دو سوی اقیانوس اطلس یاد می‌شود. فرآتلانتیک به معنای شراکت و مشارکت راهبردی و روابط نزدیک و تنگاتنگ اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی میان دو سوی اقیانوس اطلس یعنی آمریکا و اروپا است. این پیوند که محور سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم را تشکیل می‌داد، تعهدی دوجانبه میان اروپا و آمریکا بر سر بازار و اقتصاد آزاد و ارزش‌های دنیای غرب بود. دولت‌های متوالی در آمریکا و اعضای کنگره از این روابط حمایت و آن را وسیله‌ای برای ارتقای امنیت و ثبات و افزایش هر چه بیشتر نفوذ جهانی آمریکا ارزیابی می‌کردند. این روابط در دوران‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه شد و به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر و در دوره ترامپ به‌عنوان دورانی پر از تنش از آن یاد می‌شود.

هر چند دونالد ترامپ جمهوری‌خواه، با سیاست‌های «اول آمریکا»، انزواگرایی و مرکانتلیستی خود، روابط میان دو سوی اقیانوس را با تنش و بی‌اعتمادی زیادی مواجه ساخت اما انتخاب جو بایدن دمکرات، امیدها برای همگرایی در روابط فرآتلانتیک را افزایش داده است. وی که قبل از انتخابات ریاست جمهوری، عنوان کرده بود که در صورت رسیدن به قدرت، گام‌هایی فوری برای احیای دموکراسی و ائتلاف‌های آمریکا برخواهد داشت، بعد از پیروزی بر رقیب جمهوری‌خواه خود، با انتخاب برخی از اعضای کلیدی در دولت از جمله آنتونی بلینکن^۱، وزیر امور خارجه و جیک سالیوان^۲، به‌عنوان مشاور امنیت ملی، ترمیم روابط دو سوی اقیانوس را دستور کار خود قرار داد.

با وجود بازتاب‌های خوش‌بینانه درباره این‌گونه اظهارات و پیشرفت همگرایی در حوزه مسائل امنیتی و موضوعات اقتصادی مثل مالیات بر انتشار کربن، وضع حداقل مالیات بر شرکت‌ها و حذف تعرفه‌های دوران ترامپ برای صادرات فولاد و آلومینیوم اروپا، اما سیاست خروج بایدن از افغانستان، گفتگوی امنیتی چهار جانبه موسوم به «کواد»^۳، فروش زیردریایی به استرالیا، همگی پرسش‌های زیادی را در گسست و تداوم روابط فرآتلانتیک مطرح ساخته است.

با قریب به گذشت دو سال از ریاست جمهوری بایدن، هنوز نمی‌توان ارزیابی دقیقی از میزان همگرایی و پیشرفت در روابط فرآتلانتیک ارائه کرد اما در همین مدت، ادبیات و تحلیل‌های زیادی پیرامون این روابط نوشته شده است. یکسری از آثار بر این نکته تأکید می‌کنند که همکاری‌ای که

1. Antony Blinken
2. Jacob Sullivan
3. Quadrilateral Security Dialouge (The Quad)



در دوره ترامپ تضعیف شده بود، در دوره بایدن نیز تداوم می‌یابد (Riddervold and Newsome, 2022). هرمان مارک شوارتز^۱ (2022)، در مقاله خود این تضعیف را به‌واسطه غلبه مؤلفه‌های ساختاری در نظام بین‌الملل می‌داند. اولسن^۲ (2022)، و بیورن اولاف ناتسن^۳ (Knutsen, 2022) در مقالات خود استدلال می‌کنند با وجودی که این روابط در برخی زمینه‌ها تضعیف شده است، اما در حوزه مسائل دفاعی و امنیتی، پیشرفت‌های زیادی صورت گرفته است. پنیلی ریگر^۴ (2022) که در مورد روابط فرآتلاتتیک در آفریقا نوشته است قائل به این نیست که این روابط در دوره بایدن در حال تضعیف باشد. اندیشکده‌ها و مراکز فکری و همچنین بسیاری از افرادی که در این مراکز کار می‌کنند نیز در آثار و گزارش‌های تحلیلی خود هر دو جنبه پیشرفت و چالش‌های روابط فرآتلاتتیک در دوره بایدن را برجسته کرده‌اند (Brattberg, 2020, 2021, Barnes-Dacy, 2020, Stokes and Tausendfreund, 2022).

به نظر می‌رسد هرچند در دولت بایدن در حوزه برخی مسائل امنیتی، موضوع هسته‌ای ایران، مسائل بهداشتی و آب و هوایی و برخی از مسائل فنی و اقتصادی، در روابط آمریکا با اروپا پیشرفت‌هایی صورت گرفته است ولی در همه این امور چالش‌ها و مسایل حل نشده‌ای نیز وجود دارد. کما اینکه نبود مواضع همسان و مشترک میان دو طرف در خصوص تهدید انگاشتن چین و روسیه، کاهش اهمیت راهبردی اروپا برای آمریکا و اولویت آسیا برای واشنگتن، تلاش دولت بایدن برای بازگرداندن اعتماد و رهبری جهانی آمریکا و تقلاي اروپا برای استقلال راهبردی از واشنگتن، وضعیت شکننده داخلی و دوقطبی شدن جامعه آمریکا به‌ویژه پس از ترامپ، نااطمینانی از آینده ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ و تأثیر انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ۲۰۲۲، بی‌اعتمادی و نگاه منفی اروپائیان به آمریکا، از جمله مهمترین مسائل و چالش‌های حل نشده دیگر در روابط دو سوی اقیانوس به‌شمار می‌آیند که می‌توانند بر روابط فرآتلاتتیک تأثیر گذرانند.

هدف اصلی این نوشتار تبیین همگرایی در دوره بایدن، شناخت و ارزیابی زمینه‌ها و حوزه‌های همگرایی و چالش‌های موجود بر سر آن است. روشی که این نوشتار بر اساس آن به تحلیل یافته‌ها پرداخته است، روش کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. برای دستیابی به هدف اصلی تحقیق، از منابع دست اول کتابخانه‌ای، گزارش مراکز تحقیقاتی، مقالات علمی و

1. Herman Mark Schwartz
2. Gorm Rye Olsen
3. Bjorn Olav Knutsen
4. Pernille Rieker

تحلیل محتوای دیدگاه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران مختلف پیرامون روابط فرآتلانتیک، استفاده شد.

چارچوب نظری

نظریه رئالیسم نئوکلاسیک از گیدئون رز^۱ (Rose, 1998) گرفته شده که اعتقاد دارد در تحلیل سیاست خارجی کشورها، هم بایستی به ساختارهای بین‌المللی توجه داشت و هم به نقش عوامل داخلی و محیط اصلی تصمیم‌گیری. به اعتقاد وی، اصل بر این است که در وهله اول این جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل یا ساختار قدرت بین‌المللی یعنی توانمندی‌های مادی نسبی آنها است که به سیاست خارجی‌شان جهت می‌دهد؛ اما تأثیر این توانمندی‌ها بر سیاست خارجی از طریق تعدادی از متغیرهای مداخله‌گر داخلی، محدود، فیلتر و تفسیر می‌شوند و سپس تبدیل به تصمیمات سیاست خارجی می‌شود (Rose, 1998: 157-160).

نئوکلاسیک‌هایی چون ویلیام ولفورث^۲ برداشت‌های ذهنی نخبگان از توزیع قدرت در سطح نظام بین‌الملل و توانمندی دولت‌ها برای بسیج و استخراج منابع را از عوامل تعیین‌کننده برای دولت‌ها در انتخاب راهبردهای کلان ملی می‌دانند. جنیفر استرلینگ فوکر^۳ نیز همانند ولفورث نه بر دولت بلکه بر گروه‌های انسانی به‌عنوان منشأ هویت و شکل اصلی کنشگر در تعاملات انسانی تأکید دارد. او بر آن است که هرچند دولت‌ها به‌عنوان گروه‌بندی اصلی در نظام بین‌المللی کنونی عمل می‌کنند اما در درون آنها هم گروه‌هایی وجود دارند که آنها نیز بر سر دسترسی به منابع و کنترل آنها با هم رقابت می‌کنند. رندال شوئلر^۴، به‌عنوان یکی دیگر از شارحان واقع‌گرایی نئوکلاسیک، با تأکید بر نظریه «موازنه منافع» عنوان می‌کند اینکه دولت‌ها تصمیم می‌گیرند که به ائتلافی بپیوندند یا خیر، فقط به‌دلیل اجتناب از خطر و تأمین امنیت نیست، بلکه برای کسب سود است (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۳۷-۳۳).

با توجه به این، مبنای نظری این نوشتار از واقع‌گرایی نئوکلاسیک گرفته شده است. هر چند نظریه‌های مربوط به همگرایی از جمله کارکردگرایی، نئوکارکردگرایی و وابستگی متقابل نیز می‌توانست به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شود، اما از آنجا که در تحلیل فرآیند همگرایی در دو

1. Gideon Rose
2. William Wohlforth
3. Sterling -Folker
4. Randall Schweller



سوی آتلانتیک پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در دوره بایدن، نقش ساختار نظام بین‌الملل، عوامل داخلی، برداشت‌ها و ذهنیت‌های تصمیم‌گیرندگان و محیط اصلی تصمیم‌گیری در فرایند همگرایی یا واگرایی بسیار مهم انگاشته می‌شوند، از این رو، از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک استفاده شد. به نظر می‌رسد برای تبیین فرایند و چشم‌انداز همگرایی فرآتلانتیکی در دوره بایدن، این نظریه از قابلیت تبیین بیشتری نسبت به نظریه‌های گفته شده برخوردار باشد. از منظر ساختاری اینکه آمریکا بخواهد چه نقشی - پلیس جهانی، هژمون، رهبری، یک‌جانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی - را در نظام بین‌الملل بازی کند؟ با چه تهدیداتی مواجه است؟ این تهدیدات را چگونه تعریف و چارچوب‌بندی می‌کند؟ افکار عمومی در دو سوی آتلانتیک چگونه به روابط می‌نگرند؟ سیاست در دو سوی آتلانتیک و به‌ویژه آمریکا به چه میزان قطبی شده است؟ و احزاب در اروپا و آمریکا از چه جهت‌گیری ایدئولوژیکی برخوردارند؟ در تحلیل فرایند همگرایی یا واگرایی در روابط دو سوی آتلانتیک بسیار مهم شمرده می‌شود.

روابط فرآتلانتیک از جنگ جهانی دوم تا دوره ترامپ

در سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی دوم، هراس از استیلای آلمان بر یک اروپای یکپارچه و همزمان با آن، تهدید شوروی، عامل مهمی بود که هری ترومن^۱، رئیس‌جمهور و مشاورانش را بر آن داشت که بر وجود اروپای به‌لحاظ نظامی و سیاسی متحد، تأکید نمایند (Tausendfreund, 2022). گام اول در پروژه همگرایی اروپایی از طریق طرح جرج مارشال^۲ برای بازسازی اقتصادی اروپا برداشته شد.^۳ بعداً با امضای پیمان معاهده آتلانتیک شمالی (ناتو) در ۱۹۴۹ و تشکیل جامعه ذغال سنگ و فولاد اروپا، نخستین گام در فرایند فدرالیسم اروپایی به مرحله اجرا درآمد. در دوره هر کدام از رؤسای جمهوری آمریکا تا پایان جنگ سرد، این روابط تداوم یافت. البته در مقاطعی به‌ویژه در دوران کندی و نیکسون نیز با چالش‌هایی همراه شد. با فروپاشی دیوار برلین و سقوط اتحاد جماهیر شوروی شرکای دو سوی اقیانوس اطلس ابزارها و اهداف جدیدی را در مسیر همکاری تعریف کردند. نقطه عطف آن، تصویب اعلامیه فرآتلانتیکی در سال ۱۹۹۰ بود. در این اعلامیه، دو طرف رسماً بر بکارگیری اراده خود در جهت تقویت مشارکت‌شان در مواردی چون:

1. Harry Truman

2. George C. Marshall

۳. اعطای کمک به اروپا توسط آمریکا برای بازسازی خود پس از جنگ جهانی دوم تحت عنوان «برنامه بهبود اروپا» به طرح مارشال معروف است.

۱. پشتیبانی از بنیادهای لیبرالیسم؛ ۲. تأمین صلح و امنیت بین‌الملل؛ ۳. حرکت در جهت رشد پایدار اقتصاد جهانی؛ ۴. ارتقای اصول بازار آزاد، ممانعت از حمایت‌گرایی و توسعه سیستم تجارت چندجانبه؛ ۵. کمک به کشورهای در حال توسعه به منظور اصلاحات اقتصادی و سیاسی؛ ۶. حمایت مناسب در همکاری با سایر کشورها و سازمان‌ها از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی برای انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی و ترغیب آنها به شرکت در سازمان تجاری چند جانبه، تأکید کردند (احمدیگی، ۱۳۹۱: ۹۹۱؛ کریمی، ۱۳۹۸: ۲۴۴).

به‌دنبال صدور بیانیه فرآتلانتیکی و سپس تشکیل اتحادیه اروپا در ماستریخت ۱۹۹۳، در اجلاس سران اتحادیه اروپایی و آمریکا در دسامبر ۱۹۹۵ مادرید، دستور کار جدید فرآتلانتیکی به امضا رسید. علاوه بر این، در سال ۱۹۹۸، دو طرف در اجلاس لندن به توافق دست یافتند که زمینه همکاری در حوزه تجارت را فراهم می‌کرد و آن مشارکت اقتصادی فرآتلانتیک (TEP) نامیده شد.

روابط فرآتلانتیکی که پیش از پنجاه سال بر مناسبات آمریکا و اروپا حاکم بود، پس از حملات ۱۱ سپتامبر و سپس تهاجم یکجانبه آمریکا به عراق، بحثی نوین را تجربه نمود. هرچند اروپا و آمریکا و همچنین ناتو در مورد ماهیت تهدید تروریسم اتفاق نظر داشتند اما بعداً در نحوه پاسخ به تهدید و با سیاست‌های یکجانبه آمریکا به‌ویژه در حمله به عراق، این مناسبات دچار چالش شدند. شکاف دیدگاه‌ها در خصوص مبارزه با تروریسم، همچنین مخالفت اروپا با حمله یکجانبه آمریکا به عراق، نشان دهنده اوج تنش میان دو سوی آتلانتیک بود. در این زمینه، نگرش نومحافظه‌کاران در آمریکا درباره متحدان اروپایی خود، در این تنش بسیار تأثیرگذار بود.

با انتخاب باراک اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهوری دموکرات که سیاست چندجانبه‌گرایی و ترمیم وجهه و اعتبار آمریکا با تکیه بر قدرت نرم را در دستور کار خود قرار داده بود، پنجره‌ای برای همکاری بیشتر در میان دو سوی آتلانتیک گشوده شد (ایزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). پیروزی دونالد ترامپ به‌عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا در انتخابات ۲۰۱۶، روابط فرآتلانتیک را دچار چالش‌های جدی کرد. هرچند دموکرات‌ها به رهبری اوباما با اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی در پی ترمیم روابط فرآتلانتیک و احترام به شرکای اروپایی خود بر آمده بودند، اما ترامپ با به چالش کشیدن اصول مشترک در سیاست خارجی آمریکا (حاتم‌زاده و نورعلی‌وند، ۱۳۹۷: ۱۷۱)، آشکارا سیاست سنتی آمریکا مبنی بر حمایت از اروپای متحد را کنار گذاشت و حتی اروپا را «دشمن» نامید. او از برگزیت (خروج انگلستان از اتحادیه اروپا) حمایت کرد. وی با شعار «اول



آمریکا» و در قالب نوعی ملی‌گرایی و یکجانبه‌گرایی عنوان کرد که آمریکا از این به بعد حاضر نیست که برای منافع متحدان خود در ناتو هزینه کند. این امر موجب شد تا مقامات اروپایی با نگرانی به ارزیابی اوضاع بپردازند (رستمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۳).

اقدامات و سیاست‌های ترامپ، بدبینی شدیدی را درباره دولت آمریکا در اروپا به وجود آورد. اکثر نظرسنجی‌ها در اروپا از این موضوع حکایت داشت. اریک براتبرگ و دیوید ونیری^۱، از اندیشکده کارنگی برای صلح بین‌المللی^۲، با تجزیه و تحلیل مصاحبه‌هایی که از چندین سفیر کشورهای اروپایی و معاونان آنها مستقر در واشنگتن در فاصله اکتبر ۲۰۱۹ تا ژانویه ۲۰۲۰ انجام داده‌اند، از وضعیت بسیار بد روابط دو سوی اقیانوس، حتی بدتر از تصمیم بحث‌برانگیز آمریکا در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ یاد کردند. آنها، به طور کامل، همه تقصیر را به گردن ترامپ و تیم وی انداختند و عنوان کردند اروپا در مدیریت روابط با دولت ترامپ مشکلاتی اساسی داشته است (Brattberg and Whinery, 2020).

بایدن و روابط فرآتلانتیک

با انتخاب بایدن دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا خوش‌بینی‌های زیادی در دو سوی آتلانتیک به وجود آمد مبنی بر اینکه خرابی‌ها و بی‌اعتمادی‌های روابط در دوره ترامپ التیام می‌یابد. بایدن با انتشار مقاله خود در فارین افیرز در آوریل ۲۰۲۰، از اتخاذ گام‌های فوری برای تجدید دموکراسی و اتحادهای ایالات متحده خبر داد و عنوان کرد که با متحدان و شرکای آمریکا برای اقدام جمعی در برابر تهدیدات جهانی کار خواهد کرد (Biden, 2020).

بایدن زمانی که به‌عنوان رئیس‌جمهوری انتخاب شد، اروپا را سنگ بنای تعامل آمریکا با جهان نامید (Hamilton, 2020). سپس وی با گرد آوردن یکی از با تجربه‌ترین تیم‌های امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا، از جمله آنتونی بلینکن، وزیر خارجه و جک سالیوان، مشاور امنیت ملی، نشان داد که چندجانبه‌گرایی و فرآتلانتیک‌گرایی تا چه اندازه در سیاست خارجی وی اهمیت دارد (Janes, 2021). در این میان، سخنرانی بایدن در کنفرانس امنیتی مونیک در فوریه ۲۰۲۱ بسیار مهم بود. وی در این کنفرانس با بیان اینکه «آمریکا بازگشته است، ائتلاف دو سوی آتلانتیک بازگشته است» (whitehouse, 2021/02/19)؛ از تعهد آمریکا به ائتلاف با ناتو سخن گفت و تأکید کرد که آمریکا مصمم به تعامل با متحدان اروپایی‌اش است.

1. Erik Brattberg and David Whineray
2. Carnegie Endowment for International Peace

آنتونی بلینکن نیز با حضور در نشست شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا در بروکسل، شرکت در نشست وزیران ناتو و گروه هفت در لندن، از اهتمام جدی آمریکا برای تقویت همکاری فرآتلانتیک خبر داد. همه اینها در چارچوب گفتمان سیاست خارجی بایدن که در چارچوب گفتمان سیاست خارجی حزب دموکرات آمریکا و «بین‌الملل‌گرایی لیبرال»^۱، نام دارد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ایده قانونی این گفتمان، تدبیر و تغییر جهان و نظام بین‌الملل از طریق اعمال قدرت و اراده و آرمان آمریکا است و نهادگرایی لیبرال، چندجانبه‌گرایی، فرآتلانتیک‌گرایی، حقوق بشر و گسترش دموکراسی و مداخله‌گرایی بین‌المللی، مهمترین اصول آن به‌شمار می‌آیند. راهبرد «نخست آمریکا»^۲ی ترامپ متضمن انزواگرایی، یک‌جانبه‌گرایی، حمایت‌گرایی، ناسیونالیسم و نژادپرستی بود اما در راهبرد بایدن، چندجانبه‌گرایی و فرآتلانتیک‌گرایی که به معنای شراکت و مشارکت راهبردی و روابط نزدیک و تنگاتنگ اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی میان دو سوی اقیانوس آرام یعنی آمریکا و اروپا است، مورد تأکید قرار گرفت (زادفر و دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۳۵-۲۳۳).

این اصول که بیانگر تغییر اساسی در سیاست خارجی آمریکا در خصوص اتحادیه اروپا و ناتو در مقایسه با دولت ترامپ بود، انتظارات زیادی را در میان اروپایی‌ها به وجود آورد که اروپا در سیاست خارجی بایدن از اولویت بیشتری برخوردار خواهد بود (Stoks and and Tausendfreund, 2020). سیاست خارجی بایدن در عرصه عمل نیز دستاوردهای خوبی به‌همراه آورد. اختلاف‌های طولانی مدت دو سوی اقیانوس بر سر اختصاص یارانه به هواپیمای ایرباس و بوئینگ متوقف شد. بروکسل و واشنگتن، شورای تجارت و فناوری را برای هماهنگی در زمینه سیاست‌های فناوری و دیجیتال ایجاد کردند. به درک مهمی مبنی بر این که چین و روسیه، تهدیدی راهبردی برای دو طرف هستند، رسیدند. در مورد مسئله هسته‌ای ایران هم، اروپا و آمریکا از مذاکره برای بازگشت به توافق، حمایت کردند.

اگرچه همه اینها حکایت از همگرایی فرآتلانتیک در مقایسه با قبل داشت اما این فقط نیمه پر لیوان بود. روابط فرآتلانتیک، به‌دلیل ناهماهنگی‌ها در سال ۲۰۲۲ از جمله خروج آمریکا از افغانستان، همچنین فروش زیردریایی هسته‌ای آمریکا به استرالیا در چارچوب پیمان امنیتی سه جانبه «اکوس آ» متزلزل شد. به طور کلی، روابط فرآتلانتیک هرچند پیشرفت‌هایی داشته است و

1. International Liberal
2. AUKUS



در چارچوب گفت‌وگو دولت بایدن نیز قرار دارد اما چالش‌ها و اختلافات آن نیز کم نیستند که موجب شده است چشم‌انداز و آینده این روابط در برخی زمینه‌ها هنوز مبهم و با پرسش‌های زیادی همراه شود.

۱. حوزه‌های مختلف روابط فرآتلاتیک در دولت بایدن و چالش‌ها

۱-۱. اقتصاد و تجارت

در حالی که تا قبل از ریاست جمهوری بایدن، چشم‌انداز دو سوی اقیانوس مملو از اختلافات تجاری طولانی مدت بود و دو طرف طی ۱۷ سال بر سر یارانه‌های مربوط به بویینگ و ایرباس با هم در حال جنگ بودند، اما در ژوئن ۲۰۲۱، در جریان نشست سران ایالات متحده و اروپا در بروکسل، در مورد تعلیق تعرفه‌های تلافی جویانه و اختلافات موجود، به توافق‌هایی دست یافتند و یک گروه کاری نیز برای بحث در مورد محدودیت‌های یارانه در مواجهه با رقابت هواپیماهای تجاری آینده از چین تشکیل دادند. آنها همچنین در زمینه ایجاد شورای تجارت و فناوری به توافق رسیدند. بروکسل و واشنگتن در حاشیه نشست گروه ۲۰ در اکتبر، توافق کردند که به طرح‌های بازدارنده اعمال شده توسط دولت ترامپ بر محموله‌های اروپایی فولاد و آلومینیوم پایان دهند. در پی آن، محصولات و تولیدات اروپایی اجازه یافتند که بدون عوارض گمرکی به بازارهای آمریکایی راه پیدا کنند. همچنین اتحادیه اروپا به اختصاص تعرفه‌های تلافی جویانه بر صادرات کالاهای پرمصرف ایالات متحده پایان داد. اما با وجود این، تنها دستاورد مهم و معنادار، تعلیق موقت چهار ماهه تعرفه‌های اضافی در مناقشه ایرباس و بویینگ بوده است. این موضوع هرچند مهم و نمادین به حساب می‌آید و ممکن است زمینه را برای حل و فصل جامع اختلافات تجاری طولانی مدت در سازمان تجارت جهانی درباره یارانه‌های غیرقانونی فراهم کند اما هنوز تعرفه‌های بخش ۲۳۲ فولاد و آلومینیوم در میان اتحادیه‌های کارگری فولاد رواج دارد. ظاهراً تا زمانی که مشکل ظرفیت مازاد تولید جهانی حل نشود، مشکل برطرف نخواهد شد (Brattberg, 2021).

از سوی دیگر، تحرکات تجاری چین نیز ممکن است همکاری جدید آمریکا و اروپا در زمینه تجارت را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. چین یک بازار صادراتی مهم برای برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. همچنین، از سال ۲۰۱۲ میلادی، پکن سرمایه‌گذاری خوبی در حوزه زیرساخت‌های اساسی و مهم برخی از کشورهای اروپایی انجام داده است. این سرمایه‌گذاری که با اهداف زیرکانه صورت می‌گیرد، با نفوذ پکن بر مقامات کشورهای عضو، ممکن است بر مواضع

سیاست خارجی اتحادیه اروپا در انتقاد از چین بر سر موضوع تایوان، استان سین کیانگ و به طور کلی مباحث حقوق بشر تأثیر گذارد. بنابراین، در حالی که آمریکا، اروپایی‌ها را در پیوستن به کارزار یک ائتلاف ضدچینی تحت فشار قرار می‌دهد، در میان کشورهای اروپایی در خصوص همراهی یا عدم‌همراهی و اتخاذ سیاست مستقل در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد (Gardner, 2020).

یک استثنای مهم دیگر در روابط نزدیک‌تر فرآتلانتیک در مورد تجارت، عدم‌پیشرفت در اصلاح سازمان تجارت جهانی^۱ است. قبل از مراسم تحلیف، مقامات ارشد آمریکایی قول دادند که اصلاحات در سازمان تجارت جهانی را در اولویت اصلی تجاری خود قرار دهند اما با گذشت دو سال از دوران بایدن، هیچ مدرک ملموسی مبنی بر تلاش آمریکا برای پیشرفت در سازمان تجارت جهانی مشاهده نمی‌شود. تا جایی که یکی از مقامات ارشد سابق سازمان جهانی تجارت جهانی گله کرد: «ایالات متحده در ژنو غایب است» (Stokes and Taudendfreund, 2022).

۲-۱. آب و هوا

دولت ترامپ از توافق‌نامه آب و هوایی پاریس خارج شد اما زمانی که بایدن به قدرت رسید، اعلام کرد یکی از دستورکارهای آینده وی، تقویت مشارکت فرآتلانتیک در زمینه تغییرات آب و هوایی خواهد بود. این موضوع با استقبال رهبران اروپایی مواجه شد. به طوری که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، در توییتی نوشت «به توافق‌نامه پاریس خوش آمدید». اورسولا فون درلاین^۲، رئیس کمیسیون اروپا، ضمن خوشحالی از پیوستن مجدد آمریکا به توافق‌نامه پاریس، آن را «نقطه شروعی مثبت برای همکاری مجدد میان اروپا و آمریکا دانست». در مقابل، بایدن نیز جان کری را به‌عنوان فرستاده ویژه آب و هوایی خود معرفی کرد. این یک تغییر بزرگ از زمان ریاست جمهوری ترامپ بود که وی رسماً ایالات متحده را از توافق پاریس خارج کرده و اعلام کرده بود که اروپا شریک آب و هوایی در کاخ سفید ندارد (Barkin, 2021).

در اعلامیه اکتبر ۲۰۲۲ اتحادیه اروپا و آمریکا، دو طرف اعلام کردند که ضمن کاهش تعرفه‌های واردات فولاد، کارگروهی فنی برای اشتراک‌گذاری داده‌ها و توسعه یک روش مشترک برای ارزیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای در دو بخش فولاد و آلومینیوم، تشکیل خواهند داد. همچنین، اتحادیه اروپا اعلام کرد که به منظور کاهش گازهای گلخانه‌ای قصد دارد «مکانیسم تعدیل مرز کربن» را اعمال کند. مکانیسمی که برای کاهش هزینه‌های گازهای

1. WTO
2. Ursula von der Leyen



گلخانه‌ای مانند فولاد و سیمان تعبیه شده است. اروپا و آمریکا اعلام کردند که تا سال ۲۰۲۴، برنامه‌ای برای حمایت از واردات فولاد و آلومینیوم کم کربن ایجاد خواهند کرد. هرچند بعید است که ایالات متحده به این سازوکار بپیوندد. یکی از مقامات بلندپایه تجاری سابق اتحادیه اروپا، اظهار داشت: «قرارداد «فولاد سبز» به خودی خود معنی ندارد، هر چند محتوایش زیاد است، ولی حرکت خیلی کندی دارد» (Stokes and Taudendfreund, 2022). بلوک فرآتلاتنیک، انتظار دارد که با یک چارچوب نظارتی و زیرساخت مناسب، بتواند در صنعت فولاد، انتشار دی اکسید کربن را تا ۳۰ درصد تا سال ۲۰۳۰ و به میزان ۸۰ تا ۹۵ درصد تا سال ۲۰۵۰ کاهش دهد (Brattberg, 2021).

در سراسر اقیانوس اطلس، در مقایسه با اروپا، فولادی که آمریکا تولید می‌کند دارای کربن کمی است که تا حد زیادی به‌واسطه استفاده از مواد بازیافتی در تولید به جای پیگیری سیاست‌های آب و هوایی است. از سوی دیگر، بازیگرانی که خارج از دولت بایدن قرار دارند، از جمله کنگره، می‌توانند مانعی جدی برای اقدامات اقلیمی هماهنگ در دو سوی اقیانوس باشند. بزرگترین مانع را می‌توان در ایالت‌هایی دانست که تحت کنترل جمهوری خواهان هستند و آنها سیاست‌های آب و هوایی ایالت‌ها و شهرهای مختلف را ممکن است مسدود سازند یا نادیده گیرند (Gordon, 2022).

۳-۱. فناوری

همکاری در زمینه فناوری و اینترنت، از جمله حوزه‌هایی است که در دوره بایدن برای همگرایی فرآتلاتنیک به‌شدت احساس می‌شود. یکی از مهمترین ابتکارها در این زمینه، تشکیل شورای تجارت و فناوری اتحادیه اروپا و آمریکا، تی‌تی‌سی^۱ است. ایالات متحده آمریکا و اروپا با درک مشترکی که از تهدیدات قدرت‌های نوظهوری چون چین و روسیه احساس می‌کردند، تی‌تی‌سی را با هدف هماهنگی رویکردهای خود در مورد مسائل مهم کلیدی تجاری، اقتصادی و فناوری، مانند استانداردها، زنجیره تأمین ایمن، حاکمیت داده‌ها و مقررات پلت‌فرم (بن‌سازه/سکو)، کنترل صادرات و غربالگری سرمایه‌گذاری ایجاد کردند. اولین نشست آن در سپتامبر ۲۰۲۱ در شهر پیتسبورگ^۲ ایالت پنسیلوانیای آمریکا انجام گرفت. یک کارشناس اندیشکده واشنگتن درباره اروپا گفت: «... هرچند ما می‌دانیم که به رویکرد جدیدی نیاز داریم اما هیچ توافقی در مورد چگونگی

1. TTC

2. Pittsburgh

رسیدن به آن وجود ندارد. با این حال، در مورد سپر حریم خصوصی و اطلاعات شخصی، دستیابی به یک رویکرد مشترک دشوار خواهد بود» (Stokes and Taudendfreund, 2022).
 به رغم اینکه در دوسوی آتلانتیک از ایجاد یک دستور کار مشترک در زمینه فناوری، استقبال شد اما در سطح جهانی چنین برداشت خوش‌بینانه‌ای وجود ندارد. یک کارشناس فناوری مستقر در برلین در این زمینه گفت: «در حالی که اروپایی‌ها بیشتر از آمریکایی‌ها در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما هیچ استقبالی به‌صورت جدی از سوی دولت جدید آلمان مشاهده نمی‌شود. در سند ۱۷۵ صفحه‌ای دولت ائتلافی آلمان هیچ اشاره‌ای به تی‌تی‌سی نشده است» (Stokes and Taudendfreund, 2022).

علاوه بر این در هدف روابط فرآتلانتیک در زمینه تجارت و فناوری نیز اختلاف وجود دارد. در حالی که برای آمریکا هدف این دستور کار، چین است اما برای اروپایی‌ها، دسترسی به بازار و تنظیم رسانه‌های اجتماعی اهمیت دارد. چالش دیگر در این زمینه این است که چگونه سلطه آمریکا در برخی از فناوری‌های نوظهور می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های فنی و نظارتی اروپایی‌ها هم‌پوشانی پیدا کند. اروپا مدت‌ها است که برای «حاکمیت دیجیتالی» خود تلاش می‌کند. برنامه‌های اتحادیه اروپا برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ابری اروپا موسوم به Gaia-X^۱ به رهبری فرانسه و آلمان، منعکس کننده چنین جاه‌طلبی‌هایی است. این در حالی است که برنامه‌های ایالات متحده که تحت عنوان «اتحاد برای اینترنت آینده» است، با هدف جایگزینی حاکمیت اینترنتی چین طرح شده است. همین موضوع، شک و تردیدهایی را در میان مقامات اروپایی در مورد تصمیم‌گیری برای اجرای قوانین واقعی دیجیتال ایجاد کرده است. آنها عنوان می‌کنند که آمریکا شرکت‌های بزرگ فناوری را به حال خود رها کرده است (Laha, 2022).

در سوی دیگر، در حالی که برخی نهادها مانند کمیسیون تجارت فدرال^۲، دفتر نمایندگی تجاری آمریکا^۳، با رویکرد بروکسل موافقت، اما وزارتخانه‌های بازرگانی و امور خارجه سعی می‌کنند خود را بیشتر با سیاست‌های فناوری ایالات متحده هماهنگ کنند (Barker, 2022). آنچه برخی ناظران

۱. از سال ۲۰۱۹ میلادی زیرساخت‌های ابری اروپایی تحت حمایت دولت‌های این اتحادیه به نام Gaia-X، معروف شده است. ابتکاری که به شرکت‌های فناوری داخلی امکان می‌دهد وابستگی خود را به شرکت‌های آمریکایی و چینی چون آمازون، گوگل، مایکروسافت و علی بابا پایان می‌دهد. قرار است این پروژه جایگزینی برای ذخیره داده‌ها بر پایه استانداردهای اروپایی باشد.

2. Federal Trade Commission

3. United States Trade Representative (USTR)



آمریکایی را نگران می‌کند این نیست که اروپا به دنبال طی نمودن مسیر خود در زمینه فناوری است، بلکه این است که این امر ممکن است ادامه همگرایی را با خطر مواجه سازد.

۲. چین و روابط فرآتلاتیک

زمانی اختلاف نظر عمیقی در مورد پیامدهای ظهور چین و اینکه با آن چه بایستی کرد، میان اروپا و آمریکا وجود داشت اما با ریاست جمهوری بایدن یک همگرایی در حوزه فرآتلاتیک در خصوص چین به وجود آمده است. این موضوع با سخنان بایدن در یک ماه پس از ریاست جمهوری، در کاخ سفید شروع شد که از رهبران اروپایی می‌خواست تا با دولت او در مورد آنچه که وی یکی از «مهمترین چالش‌های قرن بیست و یکم توصیف می‌کرد»، همکاری کنند. هر چند در ابتدا سیگنال‌های اولیه حکایت از این داشت که اروپا شریک آسانی برای اهداف اصلی سیاست خارجی آمریکا برای مهار چین، نخواهد بود اما با وجود این، در سال اول دولت بایدن، یک زبان مشترک در خصوص چین و آن هم در اجلاس سران اتحادیه اروپا، اجلاس ناتو و گروه هفت^۱ شکل گرفت. یک کارشناس سیاست خارجی مستقر در نیویورک گفت: «مقایسه کنید یک سال پیش ما کجا بودیم و اکنون کجا قرار داریم. این یک تغییر اساسی است» (Barkin, 2021).

اندکی بعد با لغو موافقت‌نامه جامع سرمایه‌گذاری اروپا^۲ با چین پس از انتخابات آمریکا، بروکسل و واشنگتن گفتگوی مشترکی را پیرامون چین آغاز کردند. هرچند هم اروپا هم آمریکا با چالش حفظ رهبری جهانی در صنایع آینده مواجه هستند. چین برنامه‌ای گسترده برای تسلط بر بسیاری از صنایع جدید از جمله هوش مصنوعی، فناوری نانو و رباتیک، ابر محاسبات، ژنومیک و ... دارد. آمریکا و اروپا هر دو با چالش نفوذ چین در مؤسسات کلیدی و مهم آمریکا و اروپا و در درجه بالایی از وابستگی به برخی از مواد خام از جمله مواد معدنی کمیاب که از چین می‌آید، مواجه هستند اما در بسیاری از موارد، منافع دو سوی اقیانوس در خصوص نحوه برخورد با چین، یکسان نیست و موجب واگرایی می‌شود. یکی از مهمترین آنها، اختلاف میان اروپا و آمریکا پیرامون تهدید انگاشتن چین و نحوه مقابله با آن است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

1. G7

2. Comprehensive Economic and Trade Agreement (CETA)

۱-۲. چین؛ رقیب و شریک برای اروپا و تهدید راهبردی آمریکا

در سراسر طیف سیاسی آمریکا، یک سطح اساسی از حمایت دو حزبی از اتخاذ سیاست‌های سخت در قبال پکن مشاهده می‌شود. هم در استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ و استراتژی دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۸، از «رقابت راهبردی» میان آمریکا و چین یاد شده است (Bildt, 2021). سند امنیت ملی دولت بایدن، چین را مهمترین چالش ژئوپلیتیکی آمریکا دانسته است، چالشی که فقط به حوزه ایندو-پاسفیک^۱ محدود نخواهد شد، بلکه ابعاد جهانی مهمی خواهد داشت. همچنین در «رهنمود راهبردی امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۱»^۲ از چین به‌عنوان رقیب بالقوه‌ای نام برده شده است که می‌تواند چالشی پایدار برای یک سیستم بین‌المللی با ثبات و باز ایجاد کند» (حبیبی، ۱۴۰۰). با وجود تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ نیز، آنتونی جی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا در ۲۶ مه ۲۰۲۲ عنوان کرد که چین کماکان بزرگترین رقیب ایالات متحده و متحدانش محسوب می‌شود و هدف دولت بایدن می‌بایستی شکل دادن به «محیط راهبردی» در اطراف این ابرقدرت آسیایی باشد (Wong and Swanson, 2022).

اروپایی‌ها هرچند به دلیل تلاش‌های چین برای مدرن‌سازی صنایع نظامی، ساخت جزایر مصنوعی در دریای چین جنوبی، پکن را رقیب اصلی نظامی و سیاسی خود در اقیانوس هند و آرام می‌بینند و بر این اساس مایل به همکاری با دولت بایدن در این زمینه‌اند اما مراقب‌اند که بیش از پیش در رقابت روزافزون میان آمریکا و چین، گرفتار نشوند (Brattberg, 2021). در حالی که در جبهه اقتصادی، آمریکا و چین درگیر جنگی تجاری هستند، اما در حال حاضر تنها ۱۴ کشور از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا (به علاوه بریتانیا)، مکانیسم‌های غربالگری سرمایه‌گذاری را اعمال کرده‌اند.^۳ برخی از کشورهای اروپایی که نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری دارند (از جمله بسیاری از کشورهای مرکز و جنوب اروپا) در صدور مجوز به شرکت‌های چینی در به دست آوردن دارایی‌های راهبردی مانند بنادر، بازتر عمل می‌کنند (Taussing, 2022).

۱. سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷، ایندو پاسفیک را منطقه‌ای تعریف کرد که از ساحل غربی هند تا ساحل غربی آمریکا کشیده شده است.

2. Interim National Security Strategic Guidance

۳. از اکتبر ۲۰۲۰ میلادی، کشورهای عضو اتحادیه اروپا چارچوبی را برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) عملیاتی کردند که به مکانیسم غربالگری سرمایه‌گذاری خارجی مرسوم شده است. طبق این مکانیسم، برای ایجاد نظم و امنیت ملی در سراسر اتحادیه اروپا، همه کشورهای عضو می‌بایستی اطلاعات و داده‌های خود را با بروکسل به اشتراک بگذارند.



علاوه بر این، بلینکن در پایان نشست وزاری خارجه ناتو در بروکسل در ۲۴ مارس ۲۰۲۱، به شرکای اروپایی خود اطمینان داد که واشنگتن در مورد چین متحدان ناتو را مجبور به انتخاب «ما یا آنها»، نخواهد کرد (Wadhams, 2021) اما به طور کلی اروپایی‌ها درباره رویکرد بایدن در قبال چین احساس امنیت و اطمینان نمی‌کنند و این تصور در پایتخت‌های اروپایی تقویت شده است که واشنگتن در آینده شریکی کمتر قابل اعتماد خواهد بود (Brattberg, 2021). برونو لومر^۱، وزیر دارایی فرانسه، در اکتبر ۲۰۲۲ گفت: «اتحادیه اروپا می‌خواهد با چین تعامل داشته باشد، اما آمریکا تمایل دارد با چین مقابله کند» (Barkin, 2021).

اروپاییان همچنین در خصوص چین عمیقاً دو دسته شده‌اند. در یک سو کشورهایی چون لیتوانی قرار دارند که خط جنگ‌طلبانه‌ای را دنبال می‌کنند و در سوی دیگر کشورهایی چون مجارستان که نمی‌خواهند به ائتلاف آمریکا در قبال چین و روسیه بپیوندند. این تقسیم‌بندی‌ها، امکان گفتگوی منسجم درباره چین با ایالات متحده و دیگر متحدان اروپایی را با دشواری مواجه می‌سازد (Brattberg, 2021). نظرسنجی که توسط شورای روابط خارجی اروپا با همکاری بنیاد هاینریش بل^۲، از کارشناسان، مقامات اداری و نمایندگان پارلمان کشورهای بلغارستان، فرانسه، ایتالیا، لهستان و اسپانیا، صورت گرفت از وجود اختلاف و شکاف پیرامون برخورد با چین حکایت دارد. مطالعات موردی در کشورهای یادشده، نشان می‌داد که چگونه کشورهای عضو اتحادیه اروپا با یک تضاد دائمی ذاتی میان دستوردهای اقتصادی کوتاه مدت و وابستگی‌های بلندمدت با تشدید رقابت ژئوپلیتیکی میان آمریکا و چین مواجه هستند (Oertel, 2020).

نظرسنجی مارک لئونارد^۳ و ایوان کراستف^۴، در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱ نیز نشان می‌داد که اکثر شهروندان اروپایی باور دارند که میان آمریکا با چین و روسیه جنگی سرد وجود دارد اما فکر نمی‌کنند که کشورشان درگیر این جنگ باشد. در واقع آنها، نهادهای اروپایی را بیشتر از کشورشان درگیر رقابت و جنگ سرد با روسیه و چین می‌دانند (Krastev and Leonard, 2021). این نظرسنجی نشان می‌داد که چگونه هیچ اجماع عمومی در میان اروپایی‌ها در مورد اینکه دنیای آینده دنیایی مبنی بر رقابت فزاینده میان دموکراسی‌ها و اقتدارگرایان، خواهد بود وجود ندارد.

1. Bruno Lomer
2. Heinrich boll stiftung
3. Mark Leonard
4. Ivan Krastev

به طور کلی می‌توان گفت که اتحادیه اروپا بیشتر چین را به‌عنوان «شریک»، «رقیب اقتصادی» و یک «رقیب سیستمی» می‌بیند تا یک تهدید راهبردی (Jakobowski, 2020). در کتاب سفید کمیسیون اروپا^۱ در مارس ۲۰۱۹، از چین به‌عنوان شریکی یاد شده است که اتحادیه اروپا می‌بایستی با آن مذاکره داشته باشد تا بتواند توازن منافع پیدا کند، رقیبی اقتصادی که به‌دنبال رهبری در عرصه فناوری است و رقیبی سیستمی که مدل‌های جایگزین دولت و حکومت را ترویج می‌کند (Taussing, 2022).

۳. چشم‌انداز روابط فرآتلانتیک در دوره بایدن ۳-۱. سایه ترامپ

دونالد ترامپ نقش سنتی رهبری آمریکا در نظام بین‌الملل را رها کرد و سیاست‌هایی چون «اول آمریکا»، انزوگرایی و مرکانتلیسم را در سیاست خارجی خود برگزید و تضعیف جایگاه اروپا و ائتلاف دو سوی آتلانتیک را در دستور کار خود قرار داد که ناامیدی گسترده‌ای در خصوص آینده روابط فرآتلانتیک ایجاد کرد (Bergman, 2019). با مسیری که ترامپ آغاز کرد، به اعتقاد بسیاری از محققان و اندیشکده‌ها، همه چیز به حالت و روال عادی باز نخواهد گشت.

بر این اساس، احتمال بازگشت ترامپ به قدرت در سال ۲۰۲۴، به یکی از نگرانی‌های اصلی مقامات اتحادیه اروپا تبدیل شده است. با توجه به نظرسنجی‌ها و کاهش محبوبیت و ناتوانی بایدن در انجام امور، اروپایی‌ها از هم اکنون این احساس را دارند که جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، به پیروزی برسند. چنانچه جمهوری خواهان در انتخابات کنگره آمریکا در اکتبر ۲۰۲۲، موفق شدند. با توجه به اینکه در اکثر اوقات، جمهوری خواهان ارزش کمی برای همگرایی قائل هستند (نمونه بارز آن در دولت بوش پسر، ترامپ و در گذشته دوران نیکسون -کسینجر مشاهده شده است)، این احساس در اروپا تقویت شده است که دیگر در آمریکا آن اجماع دو حزبی در خصوص همگرایی فرآتلانتیک به وجود نخواهد آمد (Bergman, 2019, Janes, 2021). چند دیپلمات اروپایی تأکید کرده‌اند، حتی اگر ریاست جمهوری ترامپ، یک دوره‌ای هم باشد، چه تضمینی وجود خواهد داشت که در آینده مردم آمریکا دوباره رئیس جمهوری را انتخاب نکنند که همانند ترامپ باشد؟ (سایت شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۹/۹/۱۶).



۳-۲. مشکلات داخلی

به‌رغم اختیارات وسیعی که رئیس‌جمهوری ایالات متحده در عرصه سیاست خارجی دارد اما کنگره عامل مهمی است که می‌تواند بر انتخاب رقبا و متحدان تأثیر گذارد. با برگزاری انتخابات کنگره که هر دو سال یکبار اتفاق می‌افتد، این موضوع هم می‌تواند انتخابات ریاست جمهوری را تحت تأثیر قرار دهد و هم مسائل مربوط به تداوم و پایداری تعهدات آمریکا در قبال شرکا را دچار مشکل سازد. به‌عنوان مثال، بایدن می‌خواهد بسیاری از تصمیمات اتخاذ شده در دولت ترامپ در مورد ایران، مذاکرات تجاری یا سیاست آب و هوایی را تغییر دهد اما بسیاری این پرسش را مطرح می‌سازند که آیا این تغییرات در دوره جانشین وی نیز ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر (Janes, 2021).

اتحادیه اروپا نیز مکانیسم تصمیم‌گیری پیچیده‌ای است که از بازیگران و ساختارهای متعددی تشکیل شده است. همچنین این نهاد متشکل از ۲۷ کشور است که با هم مجموعه‌ای به نام اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند. در این صورت، ایجاد اجماع در مورد مسائل و تصمیمات سیاسی، فرایندی شکننده به‌نظر می‌رسد (Janes, 2020). در این میان، وجود احزاب پوپولیست در مجارستان و لهستان و پیروزی جورجیا ملونی، رهبر راست افراطی تا حدی مخالف بلوک اروپا در انتخابات ایتالیا، لرزه‌ای را در میان نهادهای اروپایی ایجاد کرده است. با وجود موفقیت‌های بلوک فرآتلاتیک در دوره بایدن و هماهنگی و همکاری در زمینه حمایت از اوکراین، اما جذابیت ملی‌گرایان و پوپولیست‌ها در میان سایر کشورهای اروپایی همچنان قوی است و هنوز یک تهدید بالقوه به حساب می‌آید. تأثیر اقتصادی کووید ۱۹ و جنگ در اوکراین از سال ۲۰۲۲، بدهی بالا و تورم سرسام‌آور، به‌شدت به احزاب میانه‌رو در سراسر اروپا آسیب رسانده است. استفانو استفانینی^۱، تحلیل‌گر و دیپلمات سابق ایتالیایی، می‌گوید: «برای بیش از ۱۰ سال اتحادیه اروپا در ترس از غرق شدن در موج‌های ضداروپایی به سر می‌برد. مجارستان یک دردسر بزرگ است اما پیوستن نیروهای ایتالیا و لهستان به آن می‌تواند چالشی جدی برای جریان اصلی اتحادیه اروپا ایجاد کند». چارلز کوپچان^۲، کارشناس شورای روابط خارجی اروپا، می‌گوید: «اگر ملونی و شرکای ائتلافی وی در کنار دیگر رهبران پوپولیست و ضدبلوک در اتحادیه اروپا مانند نخست‌وزیر مجارستان و لهستان قرار گیرند، مطمئناً می‌توانند تأثیرات خود را بگذارند». دیپلمات‌ها و

1. Charles Cupchan
2. Stefano Stefanini

تحلیل‌گران می‌گویند، همه اینها در بهترین حالت شاید نتواند اجماع اروپا را از بین ببرد اما می‌تواند سیاست‌گذاری‌ها را به شدت پیچیده سازد (Erlanger, 2022)

۳-۳. مشکل اعتماد

به‌رغم تلاش‌های بایدن برای تقویت همگرایی ولی هنوز ابهامات زیادی پیرامون اعتماد به آمریکا در میان اروپایی‌ها مشاهده می‌شود. یکی از سفرای ایالات متحده در ناتو عنوان کرد: «سیاست داخلی ایالات متحده، رهبری آمریکا را به روش سنتی و تأمین کالاهای عمومی دشوارتر خواهد کرد. اعتماد اساسی شکسته شده است. چالش؛ پیدا کردن اهداف جدید در روابط است» (Broks and Tausendfrud, 2022). بنابراین، مسیری که ترامپ آغازگر آن بوده است و با تشدید شکاف حزب‌گرایی در سیاست داخلی آمریکا، اکثر اروپایی‌ها را به این نتیجه رسانده است که روابط آمریکا و اروپا، دیگر مثل گذشته نخواهد شد.

۳-۴. چالش میان رهبری آمریکا و پذیرش آن و اصل استقلال راهبردی اروپا

با انتخاب بایدن، اروپایی‌ها از اینکه آمریکا می‌خواهد به‌عنوان قهرمان نظم بین‌المللی لیبرال بازگردد و اروپایی‌ها نیز با دیپلماسی و قدرت نرم خود نقش حمایتی این هژمونی لیبرال را ایفا کنند، خوشحال بودند، اما سیاست بایدن در خروج از افغانستان و پیمان اکوس و در نهایت تهاجم روسیه به اوکراین، آنها را به بازنگری در این مفهوم کشاند. این مباحث در اکثر تحلیل‌های مهم تکرار می‌شود که آمریکا با بحران‌های متعددی از جمله شکاف‌های داخلی، رکود اقتصادی، نابرابری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است. از سویی دیگر کشورهایی چون چین، روسیه و ایران هر کدام به‌دنبال پر کردن خلاء ناشی از رویکرد «اول آمریکا»ی ترامپ برآمده‌اند. ساختار و حکمرانی جهانی نیز به‌شدت تحت تأثیر رقابت قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. بر اساس این، آمریکا چگونه می‌تواند نقش پلیس جهانی و همچنین حفاظت امنیتی اروپاییان را ایفا نماید (Branes-Dacey and etal, 2020). یکی از اعضای حزب سوسیال دموکرات اروپا اظهار داشت: «آمریکا طوری رفتار می‌کند که انگار رهبر [دنیا] است. پیش‌شرط‌های رهبری فرآتلانتیک اساساً تغییر کرده است. آمریکا مانند گذشته حاکمیت ندارد. آمریکا به همان اندازه که متحدان به آن نیاز دارند، به متحدان خود نیاز دارد» (Stokes and Tausendfreund, 2022).

تهاجم فوریه ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین نیز عامل مهم دیگری بود که اروپاییان را مجبور به بازنگری در نظم امنیتی خود کرد. از زمان این بحران، روایت اصلی در اروپا این بود که این



اتحادیه باید بتواند بدون آمریکا به طور مستقل عمل کند و به دلیل تهدید مستقیم نظامی در مرزهای خود، از توانایی زیادی برای کمک به حفاظت از کشورهای عضو، شهروندان خود و دفاع از منافع اروپا، برخوردار باشد (Ondarza and Overhius, 2022). با توجه به سطح بالای وابستگی امنیتی به ایالات متحده، طرفداران «استقلال راهبردی» در درجه اول به توانایی اروپا برای تعیین منافع و اولویت‌های خود به‌طور مستقل از طرف‌های ثالث توجه می‌کنند اما نکته‌ای که وجود دارد این است که اولاً در مورد خود مفهوم استقلال راهبردی، تعریف واحدی وجود ندارد. عده‌ای آن را به معنای توانایی مسئولیت‌پذیری بیشتر به‌عنوان یک بازیگر جهانی جهانی می‌بینند، یک عده دیگر، آن را رهایی از اعتماد به آمریکا و برخی دیگر نیز به‌عنوان راهی برای پیشگیری از افول نسبی در چشم‌انداز تغییر جهانی می‌نگرند (سایت شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۹/۹/۱۶). با وجود این تفاوت در دیدگاه‌ها، اینکه چگونه بتوانند به روابط فرآتلاتتیک سامان بخشند، موضوع مهمی است.

اروپا همچنان به دلیل سال‌ها سرمایه‌گذاری ناکافی در دفاع از خود، با کمبودهای زیادی در این زمینه مواجه است. بر این اساس، تمایل سیاسی محدودی برای برعهده گرفتن مسئولیت بیشتر در امنیت و ثبات منطقه از خود نشان می‌دهد. از سوی دیگر ایالات متحده نیز در تمایل یا عدم‌تمایل به تبدیل شدن متحدان اروپایی به بازیگرانی امنیتی معتبرتر و نگرانی‌هایش در مورد استقلال راهبردی آن، با دوگانگی مواجه شده است (Hoop Scheffer and Quencez, 2019). از یک سو می‌خواهد که با سیاست جدید، در شرق تا آنجا که ممکن است، انرژی، پول و نیروهای نظامی خود را به هند و اقیانوس آرام اختصاص دهد و از سوی دیگر اروپا را صحنه‌ای می‌بیند که می‌تواند برتری آمریکا را در تمام نقاط جهان حفظ کند و یکی از دو ستون اصلی روابط فرآتلاتتیک شمرده می‌شود (Barnes- Dacey and etal, 2020). به همین دلیل در دو طرف، هنوز چشم‌انداز روشن و مشخصی از همکاری فرآتلاتتیک به‌ویژه در منطقه آسیا وجود ندارد، در حالی که این موضوع، اولویت بلندمدت واشنگتن را تشکیل می‌دهد.

۳-۵. الزامات ساختاری

برخی از محققان، روند واگرایی را که در دوره ترامپ اتفاق افتاد نه ناشی از شخصیت وی، بلکه تا حد زیادی برخاسته از الزامات ساختاری و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که نظام بین‌الملل بر بازیگران تحمیل می‌کند، می‌دانند. در این دیدگاه، چشم‌انداز روابط فرآتلاتتیک در دوره بایدن را نیز می‌بایستی با بدبینی و عدم‌اطمینان بررسی کرد. در محیطی که با وضعیت پیش‌بینی نشده و

عدم اطمینان ارزیابی می‌شود، بایدن چگونه می‌خواهد اولویت‌ها و انتخاب‌های خود را مشخص کند. به همین دلیل، در پاسخ به سؤالاتی که کجا، کی و چگونه و مهمتر از همه چرا به یکدیگر نیاز دارند چه در آمریکا و چه در اروپا اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد (Janes, 2021). این در بسیاری از گزارش‌ها و تحقیقات مراکز فکری و مقامات تحلیلی مورد تأکید قرار گرفته است.

در همین زمینه هنری کسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در مصاحبه‌ای که با ماتیاس دوپفner^۱، مدیر عامل اکسل اسپرینگر^۲، بعد از اجلاس لیگ جهانی اقتصاد^۳ (نوامبر ۲۰۲۰) انجام داد عنوان کرد: «اروپا نباید تصور کند با تغییر یک رئیس جمهوری، ایالات متحده از تمام رویکردهایی که تاکنون اروپا را عصبانی کرده است، عقب می‌نشیند» (Welt, 2022). همچنین گرهارد شرودر، صدر اعظم اسبق آلمان، در یادداشتی عنوان کرده است: «حسابرسی پایان ریاست جمهوری دونالد ترامپ نشان می‌دهد که روابط دو سویه آتلانتیک به شکلی که سال‌ها آن را می‌شناختیم به تاریخ پیوسته است» (احمدی‌دوست، ۱۴۰۰).

۳-۶. موضوع هسته‌ای ایران

بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، در جریان مناظرات انتخاباتی خود و زمانی که به قدرت رسید، با نكوهش سیاست انزواگرایی و یک‌جانبه‌گرایی ترامپ به‌ویژه در قبال برنامه هسته‌ای ایران، موضوع هسته‌ای ایران را در کانون سیاست خود قرار دادند. بایدن قبل از انتخابات ریاست جمهوری عنوان کرده بود که: «ما با متحدانمان کار خواهیم کرد تا مواد توافق هسته‌ای [ایران] را تقویت و توسعه دهیم، در عین حال که به سایر موضوعات و مسائل نگران‌کننده نیز می‌پردازیم». وی همچنین در کنفرانس امنیتی مونیک نیز با اعلام این سیاست، مسئله اصلی را فرایند و چگونگی بازگشت آمریکا به برجام دانست (رادفر و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۴۲-۲۴۱).

از زمان پیروزی بایدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تاکنون، دو گزینه «بازگشت بی‌قید و شرط» و «بازگشت مشروط» در قبال برجام مطرح بوده است. بر این اساس سیاست هسته‌ای بایدن بر پایه پیوند موضوعی و مرحله‌ای مبنی بر بازگشت به برجام در گام نخست، تقویت و توسعه مفاد و طولانی‌تر کردن زمان آن در گام دوم و تسری آن به برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران در گام سوم، استوار است.

1. Mathias Dopfner
2. Axel Springer SE
3. World Economic League Table (WELT)



سیاست برجامی بایدن از همان ابتدا مورد استقبال مقامات اروپایی قرار گرفت. از آنجا که اولویت‌های امنیتی اروپا در منطقه غرب آسیا حفظ برجام و توسعه الگوی آن به سایر موضوعات اختلافی با ایران، اجتناب از تغییر رژیم در ایران به‌عنوان یک محرک خطرناک و بی‌ثبات‌ساز، مشارکت متوازن با تمامی قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه و ایجاد نظم منطقه‌ای همکاری‌جویانه توسط تمامی قدرت‌های منطقه‌ای است (حاتم‌زاده و نورعلی وند، ۱۳۹۷: ۱۷۷)، از این رو، با انطباق این سیاست‌ها با نگرانی‌های امنیتی آمریکا و تیم دموکرات حاکم بر واشنگتن، واگرایی فرآتلانتیکی در دوره ترامپ در خصوص مسئله هسته‌ای ایران، جای خود را به همگرایی و شراکت راهبردی داد.

با استقرار دولت جدید در ایران و تغییر تیم مذاکره‌کننده، مذاکرات تا حد زیادی به خوبی پیش رفت. اما، در ادامه به‌دلیل خواسته‌های منطقی ایران درباره حل و فصل مسائل پادمانی، حذف برخی تحریم‌ها به‌ویژه برداشته شدن تحریم سپاه و تضمین واشنگتن مبنی بر اینکه اگر رئیس‌کاخ سفید هم تغییر کند، دولت بعدی به‌راحتی نتواند از آن خارج شود، همچنین زیاده‌خواهی‌های طرف غربی و کارشکنی برخی بازیگران منطقه‌ای، موجب شد تا مذاکرات به نتیجه مطلوب نیانجامد. بروز برخی ناآرامی‌ها در ایران در سپتامبر ۲۰۲۲ و طرح مسئله نقش پهبادی ایران در جنگ اوکراین نیز مزید بر علت شد تا همزمان هم مقامات آمریکایی از بن بست و از دستور کار خارج شدن مذاکره در مورد برجام، خبر دهند و هم تروئیکای اروپایی با متهم ساختن ایران به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، انجام تحقیقات توسط گروه تعیین شده دبیرکل سازمان ملل را خواستار شود. علاوه بر این، تصمیم اروپا در ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲ به اتخاذ دور جدید تحریم‌های حقوق بشری علیه ایران را می‌توان نمونه بارز همگرایی میان دو سوی آتلانتیک در زمینه مقابله با ایران و اتخاذ سیاست‌های ضدایرانی تلقی کرد. در ادامه، دیدار امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه با جو بایدن، در ۱ دسامبر ۲۰۲۲ در کاخ سفید و بیانیه منتشره از سوی دو رئیس‌جمهور را می‌توان نمونه بارز اجماع ضدایرانی در دو سوی آتلانتیک و نزدیک‌تر شدن لحن پاریس و واشنگتن در خصوص ایران محسوب کرد.

نتیجه‌گیری

استدلال اصلی این مقاله این بود که به‌دلیل تغییر گفتمان جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا و گروه فکری‌اش، از ملی‌گرایی «اول آمریکا» و مرکانتلیسم ترامپ، به چندجانبه‌گرایی و فرآتلانتیک‌گرایی تکامل یافته است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد روابط

فراآتلانتیک حداقل در دو سال اول دوره بایدن به سمت همگرایی متمایل شده است. نمونه‌های بارز آن را می‌توان در دیدار بایدن از بروکسل، صحبت‌های وی در کنفرانس امنیتی مونیخ و همچنین آمد و شدهای سیاسی و همچنین همکاری در حوزه‌های آب و هوایی، تجارت، مسئله هسته‌ای ایران و فناوری مشاهده کرد. مطابق رئالیسم نئوکلاسیک، بایدن و شخصیت وی به‌عنوان یک دموکرات، برداشت‌ها و ذهنیت‌ها در دو سوی آتلانتیک، همچنین وقوع یکسری تغییر و تحولات در نظام بین‌الملل به ویژه تهاجم روسیه به اوکراین در این همگرایی بسیار مؤثر بوده است.

نتیجه‌ای که از این نوشتار می‌توان گرفت این است که نشانه‌های کمی وجود دارد مبنی بر اینکه روابط فراآتلانتیک در این دوره تضعیف شده یا در حال تضعیف شدن باشد. تهدیدات روسیه و تعریف مجدد از امنیت و دفاع، ظهور چین و قدرت‌های نوظهور، موضوع ایران، مسئله تغییرات آب و هوایی، فناوری و اینترنت و جنگ اوکراین دو سوی آتلانتیک را بسیار به یکدیگر نزدیک ساخته است. البته در همه این زمینه‌ها به‌ویژه وقتی که مشکل منافع ملی به وجود می‌آید، هنوز با چالش‌هایی نیز مواجه هستند. به‌عنوان مثال، تهاجم روسیه به اوکراین، هر چند تشکیل ائتلاف به رهبری آمریکا را در زمینه تأمین امنیت به‌همراه داشته است، اما هنوز در رویکرد برخی کشورهای اروپایی به‌ویژه اروپای شرقی با رویکرد کشورهای چوون آلمان در چگونگی واکنش به روسیه اختلافاتی دیده می‌شود. استقلال راهبردی اروپایی که توسط ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، مطرح شده است ممکن است در این زمینه فرایند همگرایی را با مشکل مواجه سازد. در عرصه داخلی نیز هنوز ناامیدی زیادی در میان اروپائیان در زمینه آینده و تداوم همگرایی وجود دارد. آنها به‌شدت به آمریکا بی‌اعتماد شده‌اند. نظرسنجی‌ها همین را نشان می‌دهند. پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات میان دوره‌ای کنگره و تقویت احزاب پوپولیست در اروپا بر این نگرانی افزوده است. یک نمونه پیروزی راست‌گرایان افراطی به رهبری ملونی در نوزدهمین انتخابات سراسری ایتالیا در سپتامبر ۲۰۲۲ است. ائتلاف این احزاب راست به‌عنوان مثال، مجارستان، لهستان و ایتالیا با یکدیگر، به یکی از نگرانی‌های مقامات اروپایی تبدیل شده است. بررسی همه این موارد نشان می‌دهد که ترسیم چشم‌انداز روابط فراآتلانتیک در دو سال بعدی دولت بایدن ممکن است با پرسش‌ها و اما و اگرهای زیادی مواجه شود.

در مجموع، از آنجا که بررسی روابط فراآتلانتیک بدون تصورات و ادراکات رهبران و گروه فکری دولت‌های دو سوی آتلانتیک و به ویژه آمریکا فهمیده نمی‌شود، همچنین در این میان



نقش عوامل ساختاری، افکار عمومی، احزاب، مشکلات بین‌المللی، آب و هوایی و مسائل داخلی و اقتصادی نیز در فرایند همگرایی مهم هست، و همه اینها در سال‌های اخیر به مشکلات دو سوی آتلانتیک افزوده است، از این رو، نمی‌توان چشم‌انداز مثبت و خوش‌بینانه‌ای از روابط فرآتلانتیک در دو سال باقیمانده دوره بایدن ارائه داد.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای

با توجه به مطالب و استدلال‌های بررسی شده در این مقاله، پیشنهاد‌های رسانه‌ای زیر برای برنامه‌های مختلف خبری و غیرخبری شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما به‌ویژه رسانه‌های انگلیسی‌زبان پیشنهاد می‌شود:

- ۱- مستندی در پرستی‌وی تولید شود که در آن ضمن اشاره به روند و فرایند همگرایی در دوره بایدن، به چالش‌ها و مشکلات آن نیز پرداخته شود.
- ۲- برجسته‌سازی نقش ساختار داخلی در اروپا و آمریکا، شکاف‌های حزبی، دو قطبی‌گرایی در آمریکا، نقش مخرب ترامپ و ناطمینانی از آینده روابط فرآتلانتیک؛
- ۳- رصد و تحلیل نظرسنجی افکار عمومی در اروپا و آمریکا پیرامون آینده روابط فرآتلانتیک که توسط شورای روابط خارجی اروپا، مرکز تحقیقات پیو، صندوق مارشال آلمان و همچنین اندیشکده‌های بروکینگز و کارنگی صورت می‌گیرد، برای ترسیم روندها و چالش‌های موجود؛
- ۴- مصاحبه با صاحب‌نظران، کارشناسان و اندیشمندان در اروپا و آمریکا در خصوص روند و چالش‌های روابط فرآتلانتیک؛
- ۵- استمرار انعکاس حرفه‌ای تحولات مربوط به دو سوی آتلانتیک به‌ویژه در مورد نگرش‌های متفاوت آنها در مورد چین، سیاست‌های آب و هوایی، روسیه، ایران و فناوری؛
- ۶- بررسی روند تاریخی روابط فرآتلانتیک و به‌ویژه استفاده ابزاری آمریکا از اروپا برای رسیدن به مقاصد خود؛
- ۷- تهیه مجموعه برنامه گفتگومحور پیرامون زمینه‌ها، روندها، چالش‌ها و روابط فرآتلانتیک و چشم‌انداز آن؛
- ۸- تهیه یک برنامه گفتگومحور با برجسته‌سازی روی کارآمدن حزب راست‌افراطی در تعدادی از کشورهای اروپایی و تأثیر آنها بر روابط فرآتلانتیک؛
- ۹- تحلیل تأثیر پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات کنگره در نوامبر ۲۰۲۲ بر تضعیف موضع بایدن در خصوص روابط خارجی آمریکا.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

این پژوهش در مورد همگرایی فرآتلاتنیک در دوره بایدن بود، بالطبع با توجه به محدودیت‌های مقاله، فقط بخش‌های مهمی از این فرایند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود تحقیق مستقلی در مورد همگرایی فرآتلاتنیک در مورد موضوع هسته‌ای و حقوق بشر در ایران و همچنین تأثیر تهاجم روسیه به اوکراین بر این روابط نگاشته شود. همچنین، تحلیل چشم‌انداز این روابط از منظر آینده‌پژوهی و سناریونویسی، نیز موضوع مهمی است که می‌تواند مورد توجه محققان و تحلیل‌گران قرار گیرد.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

احمدیگی، مهدی (۱۳۹۱). «روابط فرآتلاتنیک در قرن ۲۱: همگرایی یا واگرایی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و ششم، شماره ۴، زمستان، صص ۹۸۵-۹۹۹.

احمدی‌دوست، محمدرضا (۱۴۰۰)، پایان دولت ترامپ و آینده روابط فرآتلاتنیک، **دیپلماسی ایرانی**، ۲۸ دی، فایل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1999115>

ایزدی، پیروز (۱۳۸۸)، «روابط فرآتلاتنیک در دوره اوباما»، **راهبرد**، سال هیجدهم، شماره ۵۱، تابستان، صص ۱۹۳-۱۸۱.

حبیبی، رحمان (۱۴۰۰)، نگاهی به رهنمود استراتژیک وقت امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۲۱، **آینده‌پژوهی جهان اسلام**، قابل دسترسی در:

<https://iiwfs.com/wp-content/uploads/2021/04/59-pdf>
حاتم‌زاده، عزیزاله، نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۷)، «روابط فرآتلاتنیک پس از برگزیت و ترامپ؛ پیامدها برای ایران»، **مطالعات راهبردی**، سال بیست و یکم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۶۱-۱۸۴.

رادفر، فیروزه، دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات راهبردی**، سال بیست و سوم، شماره چهارم، زمستان، صص ۲۲۵-۲۵۲.

رستمی، فرزاد، احمدیان، قدرت، کریمی، حمیدرضا (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر مناسبات راهبردی اتحادیه اروپا و آمریکا در پرتو توافق هسته‌ای ایران؛ سناریوهای پیش رو»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال هفتم، شماره ۲۸، بهار، صص ۲۶۶-۲۳۹.

سایت شورای راهبردی روابط خارجی (۱۳۹۹)، «روابط فرآتلاتنیک و استقلال راهبردی اروپا»، قابل دسترسی در: <http://www.scfr.ir/fa/200/129200>



کریمی، هوشنگ (۱۳۸۷)، «جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل در حال تکوین: موانع و چالش‌ها»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و دوم، شماره ۳، صص ۶۸۳-۷۲۸.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷)، **مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی**، تهران: سازمان مطالعه و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

منابع انگلیسی

- Barker, Tyson (11 May, 2022), "The Systemic Partnership", Available at: <https://ip-quarterly.com/en/systemic-partnership>
- Barkin, Noah (November 2021), "Closing Window: Transatlantic Cooperation on China under Biden, Available at: <https://www.gmfus.org>
- Bergmann, Max (2019), "Embrace the Union, A New Progressive Approach for Reviving the Trans-Atlantic Alliance", October 31, Available at: <https://www.americanprogress.org/article/embrace-the-union/>.
- Biden, J. R. (2020). "Why America Must lead again. Rescuing U.S. foreign Policy after Trump". **foreign Affairs**, Available at: <https://foreignaffairs.com/articlas/united-ststes/2020-01-23> Accessed 5 Jan. 2021
- Bildt, Carl (2021), The evolution of U.S strategic Priorities, 17 March, Available at: <https://ecfr.eu/publication/the-evolution-of-u-s-strategic-priorities>
- Brattberg, Eric (2020), "Reinventing Transatlantic Relations on Climate Democracy and Technology", Available at: www.caenegieendowment.org/2020/12/23
- Brattberg, Eric (May 06, 2021), "Transatlantic Relations after Bidens Frist 100 Days", Available at: <https://carnegieendowment.org/2021/05/06/transatlantic-relations-after-biden-s-first-100-days-pub-84472>
- Brattberg, Eric, Whineray, David (February 2020), "How Europe Views Transatlantic Relations Ahead of the U.S. Election", **Carneige Endowment for International Peace**
- Barnes-Dacey, Julien, Dennison, Susi, Dworkin, Anthony, Geranmayeh, Ellie, Leonard, Mark, Murphy, Theodore, Oertel, Janka, Popescu, Nicu, and Tara Varma (2020), "A New Transatlantic Bargain: An Action Plan for Transformation, Not Restoration", 26 November, Policy Brief, Available at: <https://ecfr.eu/publication/a-new-transatlantic-bargain-an-action-plan-for-transformation-not-restoration>
- Janes, Jacson (2021), "Transatlantic Relations Under U.S President Joe Biden", **Zeitschrift für Außen- und Sicherheitspolitik**, Vol. 14, pp.57-73

- Jakobowski, Jadub (2020), "Biden's Policy towards China: the Prospects for Transatlantic Dialogue", 2020/11/13, Available at: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2020-11-13/bidens-policy-towards-china-prospects-transatlantic-dialogue>
- Erlanger, Steven (2022), "Europe Looks at Italy's Meloni with Caution and Trepidation", Available at: <https://www.nytimes.com/2022/09/26>
- Hamilton, D. (2020, October 10), Interview with Dr. Daniel S. Hamilton: "A Reinvented Transatlantic Partnership Will Demand More, not Less, of Europe", Pulsul Geostrategic, Available at: <https://www.pulsulgeostrategic.ro/en/materiale/material>
- Hoop Scheffer, Alexandra de, Quencez, Martin (September 12, 2019), "Lingering Security Imbalances", Available at: <https://www.gmfus.org/news/lingering-security-imbances>
- Gardner, Anthony Luzzatto (2020), **Stras with Stripes: The Essential Partnership between the European Union and Unites States**, London: Palgrave Macmillan
- Gordon, Noah J, (Jan 17, 2022), America: Europ's "Half-In" Climate Partner, Available at: <https://ip-quarterly.com/en/America-europed-half-climate-partner>
- Knutsen, B.O. (2022), "A Weakening Transatlantic Relationship? Redefining the EU-US Security and Defence Cooperation", **Politics and Governance**, 10 (2), 165-175
- Krostev, Ivan, Leonard, Mark (2021), "The Crisis of American Power: How Europeans Biden's America", Available at: www.ecfr.eu/publications/
- Krastev, Ivan, Leonard, Mark (2021), "What Europeans Think about the US-China Cold War", 22 September, Available at: <https://ecfr.eu/publication/what-europeans-think-about-the-us-china-cold-war/>
- Laha, Michael (Jan 20, 2022), "Strategic Rivalry with China and Biden's Transatlantic Promise", Available at: <https://merics.org/en/short-analysis/strategic-rivalry-china-and-bidens-transatlantic-promic>
- Olsen, Gorm Rye (2022), "America is Back" or "America First" and the Transatlantic Relationship", **Politics and Governance**, Cogitatio Press, vol. 10(2), pages 154-164.
- Oertel, Janks (2020), "The New China Consensus: How Europe Is Growing Wary of Beijing", 7 September, Available at: <https://ecfr.eu/publication/>
- Ondarza, Nicolai von, Overhaus, Marco (2022), "Rethinking Strategic Sovereignty Narratives and Priorities for Europe after Russia's Attack on Ukraine", Available at: <https://www.swp-berlin.org/en/publication/rethinking-strategic-soverignty.SWP Comment 2022/C 31, 18.04.2022, doi: 10.18449/2022C31>
- Riddervold, M., & Newsome, A (2022), "Intrusion: Out with the Old, in with the New? Explaining Changing Eu-US Relations", **Politics and Governance**, 10(2), 128-133.
- Rieher, P. (2022), "Making Sense of the European side of the Transatlantic Security Relations in Africa", **Politics and Governance**, 10 (2): 144-153.



- Rose, Gideon (1998), "Neoclassical Realism and Rheories of Foreign Policy", **World Politics**, 51(1): 144-72.
- Schwaerz, H. M. (2022), "The European Union, the United States, and Trade: Meraphorical Climate Change, not Bad Weather", **Politics and Governance**, 10(2), 186-197.
- Stokes, Bruce, Tansendfreund, Rachel (2022), "A Transatlantic Rating of Biden's Frist Year in Office", **The German Marshall Fund of the United States**, Available at: <https://www.gmfus.org/news/transatlantic-rating-bidens-first-year-office>.
- Taussing, Torrey (2020), China, in Burns, Nicholas, Daniela Schwarzer, Torrey Taussig, Sophia Becker, Josef Braml, Cathryn Clüver Ashbrook, Anthony Gardner, Thomas Gomart, Christian Mölling, Robin Niblett, Victoria Nuland, Kristi Raik, David E. Sanger, Amanda Sloat, Constanze Stelzenmüller, Nathalie Tocci (December 2020), "Stronger Together: A Strategy to Revitalize Transatlantic Power." Project on Europe and the Transatlantic Relationship, Harvard Kennedy School and German Council on Foreign Relations,
- Tausendfreund, Rachel (June 06, 2022), "A Marshall Plan for European Responsibility", Available at: <https://www.gmfus.org/news/marshall-plan-european-responsibility>
- Wong, Edward, Swanson, Ana (2022), "U.S. Amis to Constrain China by Shaping Its Enviroment, Blinken Says", Available at: <https://www.nytimes.com/2022/05/26>
- Wadhams, Nick (2021), "Blinken Says U.S. Wont Force 'Us-or-Them' Choice with China", March 24, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2021/03/24>
- Welt (2022), Available at: <https://www.welt.de/politik/ausland/us-wahl/article-219555920/henry-kssinger-i-like-joe-biden-as-a-human-being.html>.
- whitehouse (2021/02/19), Speeches and Remarks, Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/02/19>